



## "عشق به خمینی"

مشکل خاصی نداشتن، عیب و ایراد آنچنانی و جنایت آمیز هم نداشتن، قصدِ سوء و قصدِ فریب هم نداشتن، دغدغه و تلاش و بُدو بُدو هم که حسابی داشتن و اصلاً زندگی خودشون رو فراموش کرده بودن...  
انقدرم مشغول مردم و هدایتشون شدن که اصلاً خودسازی و تعلیم و اینها هم هوتوتو...

"علما" رو می گم!

منتهی اونچه که باید می داشتن و نداشتن و از همه ی بدی ها بدتر بود برای یک عالم در این عصر، این بود که؛  
"عشق به خمینی نداشتن"

عالمی که "خمینی" رو نفهمید و نچشید و تعلیم ندید از اندیشه و آثارش، پس فرقی با یک جاهل کور کور بی سوادِ منحرف و چرندیات گو چیه؟!...  
چون "خمینی" رو ندیدن، دوست دارن دیده بشن، شنیده بشن، فهمیده بشن و همش فقط بشن، بشن، بشن...

آخرش هم هیچی نمیشن

عالمی که "خمینی" رو بفهمه، دیگه نمیخواه دیده بشه، شنیده بشه و...  
بلکه تمام خواسته ش دیده شدن و شنیده شدن و فهمیدنِ خمینی هست، همون هدیه و جلوه ی حضرت مادر جان به عصر ما...

